

نیایش و ستایش در سیره امام حسین علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین محمدامین صادقی آرژگانی*

اشاره

واژه «ستایش» و «نیایش»، هم‌خانواده بوده و به معنای تحسین، آفرین و دعایی است که از روی تضرع و زاری باشد.^۱ نیایش و ستایش، در آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام و از جمله در سیره امام حسین علیه السلام، ظهور عشق به آفریدگار زیبایی آفرین است. نیایش، تجلی روح متعالی انسان است. انسان نیایش‌گر، با بُراق دعا و نیایش از دامنه و کوه‌پایه نیازهای گوناگون فردی، اجتماعی، اقتصادی و مانند آن حرکت می‌کند و تا ستیغ بلند معرفت توحیدی اوج می‌گیرد. از این رو، نیایش ائمه اهل بیت علیهم السلام، به‌خصوص امام حسین علیه السلام، در واقع، حکمت‌نامه آموزشی و در عین حال، تربیتی است که در قالب گفت‌وگو با خداوند و به صورت اظهار نیاز و درخواست‌های انسان مطرح شده است؛ ولی در حقیقت، آموزه خداشناسی، جهان‌شناسی و انسان‌شناسی، زیبا و عمیق و اثرگذار و ماندگار است.

* پژوهشگر.

۱. ر.ک: دهخدا، لغت‌نامه، تهران: نشر مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۷ش، ج ۴، ص ۲۰۲۷۱.

این معنا در سیره معرفتی و عملی سالار شهیدان، جلوه خاصی داشته است که در این پژوهش، به اندازه ظرفیت مقاله، در دو محور کلی «میقات نیایش» و «معراج ستایش» تبیین می‌شود.

الف - میقات نیایش و ستایش

بی‌تردید، نیایش و ستایش در سیره حسینی پیشینه و پسینه‌ای به اندازه عمر شریف آن حضرت داشته است؛ به بیان دیگر، امام علیه‌السلام در همه مدت حیات پُربرکتش و در همه شرایط زمانی و مکانی، با نیایش و ستایش آفریدگار هستی زندگی می‌کرده است؛ ولی برخی زمان‌ها و مکان‌ها به گونه‌ای بوده که نجوای دل آن حضرت، به صورت پژواک ماندگار در حافظه تاریخ با برجستگی خاص ثبت گردیده است که از آن میان، آموزه متعالی دعای عرفه است. از این رو، در این مقاله، نیایش‌های امام حسین علیه‌السلام در روز عرفه، در مدینه و در کوه‌پایه و دامنه «جبل الرحمه» به عنوان میقات نیایش آن حضرت تلقی می‌شود؛ چون این نیایش زمینه‌ساز حماسه کربلا و ستایش امام حسین علیه‌السلام در شب و روز عاشورا شد. دعای نورانی عرفه، از یک سو نمایش‌گر راز و نیازهای عرفانی و توحیدی سالار شهیدان است و از سوی دیگر، پژواک جاویدان دل امام مهجور در خصوص شرایط هنجارشکن حاکم بر جامعه اسلامی آن روز است. در این دعا، حضرت بین عرفان و حماسه به زیبایی جمع نموده است. برخی از بزرگان، در تحلیل این مسأله گفته‌اند:

سالار شهیدان توانست مضمون بلند دعای عرفه را که آموزه‌های عرفان متعالی در آن موج می‌زند و سراسر عشق و اظهار خضوع در پیشگاه خداوند است، در کنار حادثه خون‌بار کربلا جمع کند؛ حادثه‌ای که سرشار از پای‌مردی، حماسه، ایثار، رهبری، سیاست، مردانگی، جوان‌مردی و سرشار از ایستادگی، مقاومت، مبارزه و

استقامت در راه پیمان، وفاداری و مشحون از اخلاق انسانی، آداب معاشرت و امور اجتماعی، تربیت اسلامی، سازندگی معنوی و عرفانی است و پشتوانه نهضت‌های بعد از خود گردیده است. دعای عرفه امام حسین علیه السلام گرچه نیایش و راز و نیاز به درگاه حق است، اما راز و رمز مبارزه و قیام بر ضد نظام طاغوت و ستم‌گری در آن موج می‌زند.^۱

گفتنی است، در دعای عرفه گرچه ستایش و نیایش با هم به صورت کامل تجلی نموده و آموزه‌های حماسی در این قالب به‌خوبی بازگو شده، ولی ما در محور نخست مقاله که به عنوان «میقات نیایش» مطرح شده، بیشتر فرازهای نیایشی دعای نورانی عرفه را بازخوانی و تبیین می‌نماییم؛ تا از رهگذر آن، به نکته‌های درس‌آموز معرفتی و تربیتی آن نیایش نورانی بیشتر آشنا گردیده و به بازشناسی سپه‌سالار عشق در خلوتگه نیایش و جلوتگه ستایش پردازیم.

در این باب، جای سخن بسیار و ستیغ‌های نیایش‌های حسینی برای امثال نویسنده دست‌نیافتنی است؛ ولی از باب این‌که:

گر نتانی خورد طوفان سحاب کی توان کردن به ترک خورد آب
راز را گر می‌نیاری در میان درک‌ها را تازه کن از قشر آن^۲
در چند نکته، فرازهایی از آن دعای متعالی را بازخوانی و تبیین می‌نماییم:

۱. سرنامه نیایش

قبل از هر چیز، لازم است اشاره گردد که دعای نورانی عرفه، دو بخش دارد؛ بخش نخست، با این جمله آغاز شده: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ وَ لَا

۱. رک: جوادی آملی، عبدالله، حماسه و عرفان، قم: نشر مرکز اسراء، ۱۳۷۸ش (با ویرایش جدید)، ص ۲۳۰.

۲. مولوی، مثنوی معنوی، تهران: نشر هرمس، ۱۳۵۸ش، دفتر ۵، ص ۷۲۱.

لِعَطَائِهِ مَانِعٌ؛^۱ ستایش، مخصوص خداوندی است که برای قضا و خواستش، بازدارنده‌ای نیست و برای بخشایش او، منع‌کننده‌ای وجود ندارد.»

و بخش دوم آن دعا، با این جمله شروع گردیده: «إِلَهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ، فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي؟^۲ خداوندا! من همانم که در توانگری‌ام، فقیر و نیازمند به تو هستم. پس چگونه نیازمند تو نباشم، در حالی که فقیر و تهی‌دستم؟»

از این فراز متعالی به دست می‌آید که در نگاه امام حسین علیه السلام سرآغاز نیایش انسان باید گفت‌وگوی نیازمندانه با خدای توانا و مهربان باشد؛ یعنی ادب نیایش این است که انسان قبل از همه، گوهر وجودی‌اش را که عین فقر و نیازمندی به خالق هستی است، در پیشگاه محبوب خود عرضه کند و عجز و ناتوانی خویش را بر زبان جاری سازد و در واقع، خود را با زبان خود، به خدای خویش معرفی نماید و بگوید: چنان‌که تو خود بهتر می‌دانی، من همان آفریده‌ای هستم که فقر و نیازمندی به تو شاکله وجودی‌ام را تشکیل می‌دهد و کمال معرفتم در این است که خود را نیازمند، بلکه عین نیاز به تو می‌دانم.

تو، بی‌نیاز مطلق و من، فقیر، بلکه عین فقرم. این گونه سخن گفتن با آفریدگار مهربان، نشانه اوج معرفت و عرفان انسان نیایش‌گر است. از این رو، عارف نام‌دار، مولوی، در این باره می‌گوید:

ما چو ناییم و نوا در ما ز توست ما چو کوهیم و صدا در ما ز توست
ما عدم‌هاییم و هستی‌های ما تو وجود مطلق فانی نما^۳
این گفته‌ها، در واقع، بازتاب آموزه قرآن کریم است که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ

۱. سید بن طاووس، اقبال، تهران: نشر دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۴۹ش، ص ۳۳۹.

۲. همان، ص ۳۴۸.

۳. مولوی، مثنوی معنوی، پیشین، دفتر اول، ص ۳۰.

أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ^۱ ای مردم! شما به خدا نیازمندید و خدا است که بی نیاز و ستوده است.»

اهل تفسیر معتقدند که این آیه، به نکته مهم و ارزشمندی اشاره کرده و موقعیت ما را در عرصه عالم وجود و در برابر خدای هستی بخش روشن نموده و بسیاری از معماها را گشوده و به پرسش‌های فراوانی جواب داده است.

تردیدی نیست که بی نیاز حقیقی، در تمام عالم وجود، یکی بیش نیست و آن، خداوند یکتا است. همه عالم و آدم، سر تا پا نیاز و فقر و وابسته به وجود او است. او، بی نیاز مطلق و همه جهان فقر مطلق‌اند؛ اما این که در آیه، تنها از فقر انسان سخن گفته شده، به دلیل آن است که اگر انسان که گُل سرسبد موجودات جهان است، سر تا پا فقر و نیازمند به او باشد، سایر موجودات به طریق اولی چنین‌اند.^۲

در نتیجه، معلوم شد که گام نخست نیایش، این است که انسان، عجز، تسلیم، نیاز و فقر وجودی‌اش را در پیشگاه بی نیاز مطلق عرضه نماید. این آموزه متعالی، در سیره نیایش حسینی و جای جای دعای عرفه فراوان بازتاب یافته که تنها به دو نمونه از آن اشاره گردید.

۲. نیایش محبانه

یکی دیگر از آداب نیایش که در سیره نیایشی امام حسین علیه السلام جلوه‌های فراوان دارد، توجه به صفات جمال و جلال الهی است. حضرت، در دعای عرفه ذکر صفات یادشده را مورد توجه ویژه قرار داده و در فرازهای آغازین آن دعا، اوصاف جمال و جلال خداوند را به محضر کبریایی حق تعالی پیش کش نموده است؛ از جمله گفته است:

۱. فاطر، آیه ۱۵.

۲. رک: مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: نشر دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ش، ج ۱۸، ص ۲۲۰ - ۲۲۷.

– «هُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ؛^۱ او، بخشایش‌گر فیض‌گستر است.»

– «وَ رَاحِمٌ كُلُّ ضَارِعٍ؛^۲ او، بر ناله‌کنندگان مهربان است.»

– «و هُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ، وَ لِلدَّعْوَاتِ دَافِعٌ، وَ لِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ وَ لِلجَبَابِرَةِ قَامِعٌ؛^۳ او، دعاها و نیایش‌ها را می‌شنود و گرفتاری‌ها را برطرف می‌سازد و مرتبه‌ها را بالا می‌برد و گردن‌کشان را نابود می‌کند.»

– و در ادامه می‌گوید: «وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ الْلَطِيفُ الْخَبِيرُ وَ هُوَ عَلِيٌّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛^۴ او، شنوا و بینا و دقیق و آگاه، و بر همه چیز توانا است.»

حضرت، پس از ذکر ثنای محبوب و نیایش محبانه، مسائل، معارف و خواست خود را در دعا مطرح نموده است. از این سیره امام علیه السلام معلوم می‌شود که بایسته است در مقام نیایش، پس از اظهار بندگی و یادآوری کاستی‌ها و نقایص وجودی، ذکر کمالات و صفات جمال و جلال محبوب به عنوان مدخل و پیش‌درآمد گفت‌وگو و نیایش، مطرح گردد و با این روش است که محب به محبوب می‌رسد و در رحمت بر او گشوده و به هدف وصال نایل گردیده و حاجات او برآورده خواهد شد. از این رو، سید ابن طاووس روایات متعددی نقل کرده که در آن‌ها توصیه شده که در دعا و نیایش، قبل از درخواست حاجت، نخست باید به ستایش و ثنای باری تعالی پرداخته شود و آن‌گاه است که امید استجاب دعا و اثربخش بودن آن، بیشتر خواهد بود.^۵ امام صادق علیه السلام در این باره فرموده: «... فَأَذًا طَلَبْتُمُ الْحَاجَةَ فَمَجِّدُوا اللَّهَ وَ أَمْدَحُوهُ وَ أَثْنُوا عَلَيْهِ؛^۶ هر گاه شما حاجتی از خداوند

۱. سید بن طاووس، اقبال، پیشین، ص ۳۴۰.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

۵. سید بن طاووس، فلاح السائل، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷ش، ص ۸۹.

۶. همان.

طلب نمودید، اوّل او را تمجید و ستایش نموده و ثنای او را بگویید.»
گفتنی است، در روایات تصریح شده همان طور که در زندگی اجتماعی، وقتی از بزرگ و حاکم جامعه‌تان چیزی درخواست می‌کنید، با بهترین کلمات اوّل او را تعریف و تمجید می‌نمایید و آن‌گاه خواسته خود را با او در میان می‌گذارید، همین روش را در هنگام طلب حاجت از خداوند نیز به کار ببندید.^۱
این نکته، در سیره نیایشی امام حسین علیه السلام نیز وجود دارد. به همین جهت است که در منابع مربوطه، پس از نقل فرازهایی از دعای عرفه، گفته شده: «امام حسین علیه السلام بعد از ذکر آن همه اوصاف الهی و تسبیح و تقدیس پروردگار، حاجت خود را عرضه داشت.»^۲

۳. نیایش متضرعانه

یکی دیگر از آداب نیایش، این است که انسان در حال نیایش، به پیشگاه آفریدگار خویش تضرّع نماید و با اشک و زاری با او گفت‌وگو کرده و خواست‌های خویش را مطرح کند.^۳ این اصل بنیادین، در سیره نیایشی امام حسین علیه السلام نیز وجود داشته است. طبق نقل مرحوم شیخ عباس قمی،^۴ حضرت در ادامه دعای عرفه بعد از ثنای خداوند و ذکر اوصاف و تقدیس او، در حالی که اشک از چشم‌های مبارکش سرازیر می‌شد، عرض کرد:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ ... اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي، وَ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَ الْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَ النُّورَ فِي بَصَرِي، وَ الْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَ مَتَّعْنِي بِجَوَارِحِي؛^۵

۱. همان.

۲. رک: مکارم شیرازی، ناصر، کلیات مفاتیح نوین، قم: نشر مدرسه امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۸۶ش، ص ۸۶۳.

۳. رک: سید بن طاووس، فلاح السائل، پیشین، ص ۸۷.

۴. رک: قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، قم: نشر فاطمه زهرا علیه السلام، ۱۳۸۹ش، ص ۵۳۳.

۵. سید بن طاووس، اقبال، پیشین، ص ۳۴۲.

خداوندا! چنان ترس و خشیت خود را در دل من جای ده که گویا تو را می‌بینم. خدایا! بی‌نیازی از غیر خودت را در جان من قرار ده و یقین را در دل من، و اخلاص را در عمل من قرار ده. روشنی را در چشم من، و بصیرت و معرفت در دین را نصیب من گردان و مرا از اعضای بدن برخوردار نما.»

بر اساس این آموزه متعالی، بایسته است در هنگام نیایش و طلب حاجت از خداوند در امور دنیایی و اخروی، با حالت تضرع و ابتهال و گریه و ناله، از خداوند درخواست شود.

در خصوص آثار و برکات گریه در برخی شرایط، به‌ویژه به هنگام نیایش، مولوی نکته‌های زیبایی بیان نموده است؛ از جمله سروده است:

تا نگرید کودک حلوافروش	بحر رحمت در نمی‌آید به جوش ^۱
تا نگرید ابر کی خندد چمن	تا نگرید طفل کی جوشد لبن
گفت: فَلْيَبْكُ بَا كَثِيرًا كَوْش دَار	تا بریزد شیر فضل کردگار
آفتاب عقل را در سوز دار	چشم را چون ابر اشک‌افروز دار ^۲

گفتنی است، بر اساس نقل‌ها، امام حسین علیه السلام در هنگام نیایش و دعای عارفانه عرفه، تضرع و گریه‌های عجیبی داشته است. از آن میان، وقتی به فرازهای آخر بخش اوّل دعا رسید، سر به سوی آسمان بلند نمود و در حالی که اشک دیدگان او مثل باران جاری بود، با صدای بلند گفت: «يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ ... يَا رَبِّ يَا رَبِّ»^۳ ای شنواترین شنوندگان و بیناترین بینندگان ... ای پروردگار من، ای پروردگار من!

نقل شده که آن حضرت، جمله «يَا رَبِّ» را پیوسته تکرار می‌نمود و کسانی که

۱. مولوی، مثنوی معنوی، پیشین، دفتر دوم، ص ۱۹۸.

۲. همان، دفتر پنجم، ص ۷۲۶.

۳. سید بن طاووس، اقبال، پیشین، ص ۳۴۷.

اطراف او بودند، به صدای حضرت گوش می‌دادند و آمین می‌گفتند و با حضرت هم‌صدا گریه می‌کردند؛ تا هنگامی که آفتاب روز عرفه غروب نمود و آن حضرت، از کنار «جبل الرحمه» به سوی «مشعر الحرام» حرکت کرد.^۱ بنابراین، یکی از درس‌آموزترین جلوه‌های نیایش حسینی، تضرع در حال دعا و نیایش است که انقلاب روحی برای نیایش‌گر ایجاد نموده و دل‌دادگی او را به نمایش می‌گذارد.

۴. نیایش حکیمانه

نیایش‌های ائمه علیهم السلام، از جمله نیایش امام حسین علیه السلام، غیر از جلوه‌های: عشق، نیاز، تضرع و مانند آن، کامل‌ترین جلوه‌گاه حکمت و معرفت در ساحت‌های مختلف، به‌خصوص توحید و خداشناسی است. از این رو، دعای عرفه سالار شهیدان، در واقع، حکمت‌نامه توحیدی است. آن حضرت، آموزه‌های توحیدی بسیاری را بیان نموده که دست‌یابی بر ستیغ آن، نه در توان این نویسنده است و نه ظرفیت این مقاله، مجال بیان آن را دارد؛ به‌خصوص این‌که:

معانی هرگز اندر حرف ناید چو بحر قلزوم اندر ظرف ناید^۲
ولی به هر حال، به برخی از فرازهایی که معارف توحیدی در آن‌ها به صورت شگفت‌انگیزی تجلی کرده، به اختصار اشاره می‌کنیم:
یکی از زیباترین جلوه‌های نیایش حکیمانه در دعای عرفه امام حسین علیه السلام که عشق و توحید همراه با معرفت و اخلاص در آن موج می‌زند، این جمله است که به محبوب خویش می‌گوید:

«أَنْتَ الَّذِي أَشْرَقْتَ الْأَنْوَارَ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ، حَتَّى عَرَفَوْكَ وَ وَحَدُّوكَ، وَأَنْتَ الَّذِي أَرَزَلْتَ الْأَغْيَارَ عَنْ قُلُوبِ أَحِبَّائِكَ حَتَّى لَمْ يُحِبُّوا سِوَاكَ، مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَ مَا

۱. مکارم شیرازی، ناصر، مفاتیح نوین، پیشین، ص ۸۷۷.

۲. لاهیجی، مفاتیح الإعجاز فی شرح گلشن راز، تهران: نشر محمودی، بی‌تا، ص ۷۲۶.

الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ؛^۱ تو، آن خدایی که انوار معرفت را در دل اولیای خود تابانیدی، تا تو را به یگانگی شناختند. تو، آن خدایی که بیگانگان را از دل دوستان خود بیرون راندی، تا غیر تو را دوست نداشته باشند. چه دارد، آن کس که تو را گم نمود و چه ندارد، آن که تو را یافته است؟»
و در ادامه، از حلاوت و شیرینی انس با محبوب سخن گفته و چنین عرضه داشته است:

«يَا مَنْ أَدَّاقَ أَحْيَائِهِ حَلَاوَةَ الْمُؤَانِسَةِ فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَمَلِّقِينَ؛^۲ ای خدایی که به دوستان خود، شیرینی انس با خویش را چشاندی و آنان در پیشگاه محبوب خود، به اظهار اشتیاق پرداختند.»
و بالأخره در فرازی از نیایش، به تجلیات توحید در دل موحدان اشاره شده و آمده است:

«الْهِىَ تَرَدَّدَى فِي الْأَثَارِ يُوجِبُ بَعْدَ الْمَزَارِ، فَاجْمَعْنِي عَلَيْكَ بِخِدْمَةِ تَوْصِلُنِي إِلَيْكَ، كَيْفَ يُسْتَدَلُّ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ مُقْتَرِفٌ إِلَيْكَ، أَيْكُونُ لِعَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ، حَتَّى يَكُونُ هُوَ الْمُظْهَرُ لَكَ، مَتَى غِيبَتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ، عَمِيَتْ عَيْنٌ لَا تَرَكَ عَلَيْهَا رَقِيبًا؛^۳

ای خدای من! گشت و گزارم در آثار، مرا از مشاهده تو دور می‌کند. پس به خدمتی مرا وادار که به مقام شهود تو برساند. چگونه با چیزی بر تو استدلال شود که در وجودش نیازمند تو است؟ آیا برای غیر تو، ظهوری هست که برای تو نباشد، تا مظهر تو باشد؟ تو هرگز غایب نبوده‌ای، تا محتاج دلیلی باشی که بر تو دلالت کند؟ کور است چشمی که تو را مراقب و ناظر خود نمی‌بیند.»

۱. سید بن طاووس، اقبال، پیشین، ص ۳۴۹.

۲. همان، ص ۳۵۰.

۳. همان، ص ۳۴۹.

فرازهای یادشده از یک سو، نمایش عشق و دل‌دادگی در هنگامه نیایش است و از جانب دیگر، تجلی معرفت شهودی و جلوه‌گاه کامل‌ترین مراتب شناخت حق است. در این فراز آخر، شناخت توحید به زیباترین بیان بازگو شده است؛ چنان‌که عارف بسطامی با الهام از همین دعای نورانی گفته است:

کی رفته‌ای ز دل که تمنا کنم تو را کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را
غایب نبوده‌ای که شوم طالب حضور پنهان نبوده‌ای که هویدا کنم تو را
با صد هزار جلوه برون آمدی که من با صد هزار دیده تماشا کنم تو را^۱
شایان ذکر است که فراز یادشده از دعای امام حسین علیه السلام، در واقع، بازتاب این آیه مبارکه است که فرمود: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؛^۲ خداوند، نور آسمان‌ها و زمین است.»

بر اساس این آموزه قرآنی است که در دعای عرفه آمده: کور است چشمی که حق تعالی را در همه ساحت‌های هستی مشاهده نمی‌کند؛ چون کسی که نور را نمی‌بیند، نابینا است.

در مجموع، فراز یادشده ناظر به شناخت حضوری و معرفت شهودی خداوند است که بهترین راه‌کار معرفت توحیدی است. شناخت حضوری، عبارت از این است که انسان به طور مستقیم و بدون واسطه مفاهیم و یا صور ذهنی و مانند آن، به معرفت دست پیدا کند. البته هر اندازه مرتبه وجودی کامل‌تر باشد، علم حضوری او نیز کامل‌تر است و اگر انسان طبق آموزه امام حسین علیه السلام در نیایش روز عرفه، نسبت به آفریدگار خود علم حضوری داشته باشد، به گونه‌ای که او را نور همه چیز دانسته و ظهور همه را به آن نور بداند، پیام این جمله حسینی را که می‌گوید: «أَيُّكُونُ لِيُغَيِّرَكَ مِنْ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ؟»^۳، به خوبی دریافته است.

۱. فروغی بسطامی، میرزا عباس، دیوان فروغی بسطامی، تهران: نشر دار الکتب، ۱۳۴۸ش.

۲. نور، آیه ۳۴.

۳. رک: صادقی آرزگانی، آموزه‌های عرفانی از منظر امام علی علیه السلام، قم: نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۴ش، ص ۷۲.

۵. نیایش ستم‌ستیزانه

یکی از جلوه‌های کاربردی نیایش‌های ائمه علیهم‌السلام، از جمله امام حسین علیه‌السلام، تجلی حماسه و جهاد و ستم‌ستیزی است. از این رو، می‌توان گفت دعاهای امامان شیعه، به‌خصوص سالار شهیدان، حسین بن علی علیه‌السلام، یک راه‌کار جهادی در شرایط نامساعد مبارزه نظامی و مسلحانه بر ضد ظلم و استبداد است. نیایش‌های ائمه علیهم‌السلام، در واقع، یک نوع جهاد در تنهایی و سخن گفتن در عین سکوت و پژواک دل با لب‌های دوخته است. این‌جا است که روشن می‌گردد نیایش در فرهنگ متعالی اهل بیت علیهم‌السلام غیر از تجلی عشق به محبوب، نقش اثرگذار اجتماعی نیز دارد. آن‌ها در بسیاری از شرایط سیاسی و اجتماعی که هیچ راهی برای طرح حقایق و دفاع از حقیقت و مبارزه با قدرت ستم‌گر حاکم بر جامعه نداشته‌اند، مسئولیت اجتماعی و رسالت الهی‌شان را از طریق نیایش بازگو می‌نمودند. بنابراین، می‌توان گفت که دعا در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، به‌ویژه در نگاه امام حسین علیه‌السلام و فرزندش حضرت سجاد علیه‌السلام، در عین حال که جلوه‌گاه عمیق‌ترین آگاهی‌ها و شورانگیزترین عشق‌ها و متعالی‌ترین نیازها است، روشی کاربردی و راه‌بردی برای مبارزه و جهاد بر ضد ستم و ستم‌گران است. این حقیقت، در دعای نورانی عرفه سالار شهیدان به‌روشنی مطرح گردیده است؛ از جمله آمده: «وَهُوَ لِلْجَبَابِرَةِ قَامِعٌ»^۱، خدایی است که [ستم] جباران را در هم می‌شکند.»

و در فراز دیگر می‌خوانیم: «يَا مَنْ سَتَرَنِي مِنَ السَّلَاطِينِ أَنْ يُعَاقِبُونِي؛^۲ ای کسی (خدایی) که من را پوشاندی و حفظ نمودی از شرّ سلاطین و حکومت‌ها که مرا شکنجه کنند.»

۱. سید بن طاووس، اقبال، پیشین، ص ۳۴۰.

۲. همان، ص ۳۴۲.

گفتنی است، حضرت در زمان حکومت معاویه که شرایط هرگز برای قیام و جهاد فراهم نبود، از طریق این گونه نیایش‌ها، در مراسم حج و در جمع حاجیان روشن‌گری می‌نمود و در قالب دعا، حقایق را به مردم بیان می‌کرد؛ ولی بعد از معاویه که زمینه برای قیام آماده شد، این نیایش را در میدان عمل اجرا نمود و با دستگاه جور بنی‌امیه به مبارزه برخاست.

بنابراین، نیایش ائمه، از جمله امام حسین علیه السلام، غیر از جنبه‌های عرفانی و معنوی، جنبه جهادی نیز دارد و بر اساس این گونه آموزه‌ها، معلوم می‌شود دعای شیعی، یک نوع راه‌کار مبارزه با ظلم است و احساس مسئولیت را در انسان نیایش‌گر، و تعهد در برابر مردم را در او به وجود می‌آورد. از این رو، جبر زمان و شرایط سیاسی نمی‌تواند انسان عدالت‌پیشه و مسئولیت‌پذیر را از تلاش برای انجام وظیفه اجتماعی باز دارد و این گونه نیایش‌های رسیده از پیشوایان دین، به‌خصوص سالار شهیدان است که نمی‌گذارد روحیه جهادی در انسان‌های مؤمن به فراموشی سپرده شود؛ چون از طریق چنین آموزه‌هایی است که هر روز و هفته و ماه، بر دل‌های بیدار تلقین می‌شود که نیایش کامل و جامع، آن است که همه ساحت‌های: دنیوی، اخروی، فردی و اجتماعی زندگی انسان را پوشش دهد.

ب - معراج نیایش و ستایش

چنان‌که در آغاز مقاله اشاره شد، دعا و مناجات، بسان آب حیات در زندگی سالار شهیدان جریان داشته و نجوای حسینی با حضرت حق، در هر زمان و مکانی در فضا طنین‌انداز بوده است؛ ولی برابر آنچه نقل و ثبت شده، نیایش در سیره امام حسین علیه السلام، به طور کلی، به دو بخش قابل تقسیم است؛ یک بخش آن، همان است که در دعای نورانی عرفه تجلی کرده و فرازهایی از آن، تحت عنوان «میقات نیایش و ستایش» طرح و تبیین شد. بخش دیگر از نیایش‌های آن حضرت، در فرایند نهضت جاویدان او، در مقاطع مختلف مطرح شده که اوج آن،

در شب و روز عاشورا و در گرماگرم صحنه نبرد با دشمنان خون‌خوار و یا در آخرین لحظات زندگی آن حضرت بازگو شده است. در این بخش از زندگی حضرت، بیشتر ستایش اسمای حسناى الهى تجلى کرده و زیباترین نام برای آن، همان «معراج نیایش و ستایش» است. امام حسین علیه السلام در این بخش، جمله‌های سوزناک و معارف آسمانی بسیاری را به صورت نیایش بیان نموده که به دلیل اندک بودن مجال، تنها به بیان فرازهایی از ستایش‌های ایشان بسنده می‌شود. در باره نیایش‌های امام حسین علیه السلام در شب عاشورا، سه نمونه، بسیار آموزنده و شنیدنی است:

۱. در عصر تاسوعا، لشکر دشمن اعلان جنگ داد. امام به برادرش ابوالفضل علیه السلام فرمود: نزد آنان برو و امشب را مهلت بخواه. آن‌گاه فرمود: «لَعَلَّنَا نُصَلِّيَ لِرَبِّنَا اللَّيْلَةَ وَ نَدَعُوهُ وَ هُوَ يَعْلَمُ إِنِّي كُنْتُ أَحِبُّ الصَّلَاةَ»^۱؛ امید است که امشب را نماز گزارده و با خدای خویش نیایش کنیم؛ چون او می‌داند که من نماز را دوست دارم.
۲. در شب عاشورا، خیمه‌گاه امام حسین علیه السلام جلوه‌گاه زیباترین صحنه نیایش بود. از این رو، گفته شده: «فَبَاتُوا أَوْلَهُمْ دَوِيٌّ كَدَوِيٍّ النَّخْلِ مَا بَيْنَ رَاكِعٍ وَ سَاجِدٍ وَ قَائِمٍ وَ قَاعِدٍ»^۲؛ یاران امام، به تبع او، شب تا به صبح مانند زنبور عسل در زمزمه بودند و در حال رکوع و سجود و قیام و قعود به سر بردند.
۳. از حضرت زینب علیه السلام نقل شده: «در شب عاشورا، از خیمه خود بیرون شدم تا به خیمه برادرم حسین بروم و او را دل‌جویی نمایم. وقتی نزدیک خیمه او رسیدم، دیدم برادرم در اوج دعا و مناجات و نیایش است. با خود گفتم: در چنین لحظه‌ای، سزاوار نیست مزاحم او بشوم؛ برگشتم»^۳.

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: نشر دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۳۹۳.

۲. قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، قم: انتشارات هجرت، ۱۳۷۸ش، ج ۱، ص ۳۴۱.

۳. حائری، مهدی، معالی السبطین، قم: انتشارات رضی، ۱۳۶۳ش، ص ۲۱۰.

این‌ها، فقط نمونه‌هایی اندک از جلوه‌های مناجات است که در سیره نیایش‌های حسینی مطرح است؛ اما پُرفروغ‌تر از این، نیایش‌ها و ستایش‌هایی است که سپه‌سالار عشق در روز عاشورا داشته است. بر اساس آنچه نقل شده، امام حسین علیه السلام در واپسین لحظات زندگی خود، در حالی که در آستانه معراج وصال قرار داشت و بر روی خاک گرم کربلا افتاده بود، در نیایشی سوزناک، نجوای عشق را چنین سر داد:

«اللَّهُمَّ أَنْتَ مُتَعَالَى الْمَكَانِ، عَظِيمُ الْجَبْرُوتِ، شَدِيدُ الْمِحَالِ، غَنِيٌّ عَنِ الْخَلَائِقِ، عَرِيضُ الْكِبْرِيَاءِ، قَادِرٌ عَلَى مَا تَشَاءُ، قَرِيبُ الرَّحْمَةِ، صَادِقُ الْوَعْدِ، سَابِغُ النِّعْمَةِ، قَرِيبٌ إِذَا دُعِيَ، مُحِيطٌ بِمَا خَلَقْتَ،^۱ ... صَبْرًا عَلَى قَضَائِكَ يَا رَبَّ لَا إِلَهَ سِوَاكَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَعِثِينَ، مَالِي رَبِّ سِوَاكَ وَ لَا مَعْبُودَ غَيْرِكَ، صَبْرًا عَلَى حُكْمِكَ يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ؛^۲

بارالها! ای بلندجایگاه! بزرگ‌جبروت! سخت‌مکرکننده و انتقام‌گیرنده! بی‌نیاز از آفریده‌ها! گسترده‌کبریا! بر هر چیز، توانا! نزدیک‌رحمت! راست‌پیمان! سرشار نعمت! ای آن که چون بخوانندت، نزدیکی! و به آنچه آفریدی احاطه داری ... صبر بر تقدیرات، پروردگارا! ای که هیچ معبودی به حق جز تو نیست! ای فریادرس فریادخواهان! هیچ صاحب اختیار و معبودی جز تو ندارم. صبر بر داوری‌ات، ای دادرس بی‌پناهان!

در این فراز، زیباترین نیایش و ستایش در حساس‌ترین لحظه‌های عمر امام شهیدان بازتاب یافته که مجال شرح آن نیست؛ ولی حکیم بزرگ، الهی قمشه‌ای، با الهام از این نیایش درس‌آموز، پیام نجوای حسینی را در ضمن سروده‌ای زیبا بیان نموده که به چند بیت آن اشاره می‌گردد:

۱. شیخ طوسی، مصباح‌المتجهد، بیروت: نشر فقه الشیعه، ۱۴۱۱ق، ص ۸۲۷.

۲. عبدالرزاق، مقتل‌الحسین، قم: نشر مکتبه بصیرتی، ۱۳۹۴ق، ص ۳۵۷.

گفت: اله‌ها، ملک‌ها، داورا
در رهت ای شاهد یکتای من
عشق تو شد جان و تنم فی هواک
ای سر من در طلب روی تو
خوش به تماشای جمال آدم
چون تو تن آغشته به خون‌خواهی‌ام
منزل معشوق شد این دار من

پادش‌ها، ذوالکرم‌ها، یا‌ورا
شمع‌صفت، سوخت سراپای من
نیست بود در نظرم ما سواک
بر سر نی ره‌سپر کوی تو
غرقه دریای وصال آدم
حکم تو را از دل و جان راضی‌ام
نیست در این دار به جز یار من^۱

۱. الهی قمشه‌ای، مهدی، دیوان شعر (نغمه حسینی)، بی‌تا، بی‌جا، ص ۲۳۷.